

بیان مسئله

با توجه به مقدمه فوق و اینکه توجه به آموزش و پرورش از جهات گوناگون بر دیگر موارد تقدم و اولویت دارد، آنگاه این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توانیم آموزش و پرورش پیشرفته، توسعه یافته و پویا داشته باشیم؟ دست‌کم یک راه این است که با ارزیابی دائمی اهداف، چشم‌اندازها و برنامه‌ها به این مهم دست پیدا کنیم. به عبارت دیگر تحول و توسعه آموزش و پرورش در گرو ارزیابی دائمی اهداف و برنامه‌های آن است. و اگر پرسیده شود که چرا ارزیابی برنامه‌های آموزش و پرورش ضرورت دارد؟ می‌توان گفت چون اصولاً هر برنامه‌ای که به دست انسان جایز الخطا طراحی و تدوین می‌شود امکان خطا و اشتباه در آن وجود دارد. در غیر این صورت راهی برای تشخیص امور ارزشمند از امور بی‌ارزش وجود ندارد. ثانیاً

پس از گذشت چند ماه از سال تحصیلی جدید و شروع برنامه تغییر ساختار، در باز دیده‌هایی که از مدارس مختلف کشور داشته‌ام، این سوال را مدام در مقابل خود دیده‌ام که ارزیابی این برنامه که یکی از زمینه‌ها و بسترهای لازم و مهم برای تحول بنیادین است چگونه باید انجام شود.

هر برنامه‌ای در آموزش و پرورش به عنوان یک طرح یادگیری اجزا و عناصر گوناگون دارد. با اجرای برنامه‌های پیشنهادی جدید است که معلوم می‌شود هر یک از این عناصر و اجزا با توجه به شرایط موجود و امکانات و محدودیت‌های دیگر تا چه حد تناسب و قابلیت اجرا داشته‌است. به عبارت دیگر ضمن ارزیابی، اجزا و عناصر هر برنامه بررسی و نقادی می‌شود. می‌توان گفت حیات و ممات برنامه‌های جدید به ارزیابی بستگی دارد.

اگر نقاط ضعف و کاستی‌های برنامه به موقع آشکار نشود، به تدریج به مشکل و مسئله بزرگ‌تری تبدیل می‌گردد و به آسانی حل نمی‌شود. (به همین دلیل است که صاحب نظران برنامه‌های آموزشی، درسی و ارزشیابی آموزشی پیشنهاد می‌کنند بهتر است قبل از اجرای سراسری طرح‌ها و برنامه‌های جدید، ابتدا این طرح‌ها به صورت نمونه اجرا شوند.)

پیشرفت اقتصادی و رشد و اعتلای فرهنگی و معنوی کشور، در گرو آموزش و پرورش است زیرا اولاً به خودی خود نهادی است آغازگر و سرچشمه تعلیم و تربیت رسمی که از آن جریان و روند تعلیم و تربیت به سوی دیگر نهادهای آموزشی (مانند دانشگاه) روان می‌شود؛ ثانیاً همه افراد بیشترین سال‌های آموزش و پرورش رسمی خود را در این نهاد سپری می‌کنند. از آنجا که پایه و اساس هرگونه پیشرفت و توسعه کشور نیرو و منابع انسانی است و در جهان امروز انسان‌های آموزش دیده و متخصص‌اند که با درک و شناخت قوانین علمی حاکم بر پدیده‌های جهان، راه تحول و پیشرفت و تکامل را هموار می‌سازند، از این منظر، تحول و توسعه آموزش و پرورش از جهات گوناگون بر دیگر نهادها تقدم دارد. بنابراین ضروری است بیشترین سرمایه‌های مادی و معنوی کشور به آن اختصاص داده شود. در این صورت با تحول و توسعه این نهاد، نهادهای دیگر نیز به تحول و توسعه متعادل و متوازن و پایدار خواهند رسید و تحول به تمام معنا محقق خواهد شد.

ارزیابی علمی و روشمند

بستری برای تحول بنیادین

محمد رضا حشمتی
سردبیر مجله رشد
راهنمایی تحصیلی

کلیدواژه:

ارزیابی، نقش فرایندی، توسعه، تحول



**در جهان امروز
انسان‌های
آموزش دیده و
متخصص‌اند که
با درک و شناخت
قوانین علمی حاکم
بر پدیده‌های
جهان، راه تحول و
پیشرفت و تکامل
را هموار می‌سازند**

تحلیل و ارزیابی واقع شود، آنگاه این پرسش مطرح است که چه شخص یا اشخاصی، یا کدام نهاد یا نهادهایی باید کار این ارزیابی را انجام دهند. به نظر می‌رسد، بنا به دلایل زیر، بهتر است امر فوق به اشخاص و نهادهای متخصص بیرون از آموزش و پرورش سپرده شود نه به کسانی که خود طراح و مجری این کار بوده یا هستند. در واقع یک شخص یا نهاد نمی‌تواند در عین حال هم طراح و تدوین‌کننده یک طرح و برنامه و مجری آن باشد و هم نقاد و ارزیاب آن. یکی از شرایط اصلی در نقد و ارزیابی یک موضوع، نگاه از بیرون به آن است. اصولاً یک شخص یا نهاد، به دلایل گوناگون، نمی‌تواند همواره نقاد و ارزیابی خوبی برای خود باشد. زیرا هر کس - اعم از شخص یا نهاد - حب ذات دارد و خودشیفته است و هر اندازه هم که بخواهد صادقانه و منصفانه نقاد خویش باشد، باز به جهات گوناگون، نمی‌تواند.

ارزیابی با کدام نگاه؟

ارزیابی آموزش و پرورش با کدام نگاه یا کدام رهیافت (فرایندی یا پروژه‌ای) قابل بررسی است؟ به نظر نگارنده برای مطالعه و بررسی مشکلات و مسائل آموزش و پرورش، به‌خصوص ارزیابی برنامه‌های آن، ضروری است نگاه و نگرش فرایندی اصل و اساس کار قرار گیرد. زیرا تعلیم و تربیت خود امری است فرایندی، یعنی پایانی ندارد، پس ارزیابی آن نیز امری فرایندی خواهد بود.

در تعریف این ارزیابی گفته‌اند: ارزیابی فرایند منظمی است که طی آن درباره ارزش، مطلوبیت، اثربخشی یا کیفیت چیزی طبق ملاک‌ها و مقاصد معینی قضاوت و داوری شود. بر طبق این تعریف، با نگاه و نگرش فرایندی است که می‌توان و می‌بایست به موازات طراحی و تدوین برنامه‌های آموزش و پرورش امکان ارزیابی و اصلاح دائمی آن را تدارک دید و تضمین کرد. از آنجا که آموزش و پرورش رسمی و اجباری به خودی خود برای کودکان و نوجوانان همواره چالش‌برانگیز، همراه با مقبولیت و جذابیت و دلپذیری است، با نگاه پرکشش است که می‌توان فضای خشک و اجباری و رسمی مدرسه را در هم شکست و فضای آموزش و پرورش را جذاب‌تر و دلپذیرتر کرد. سرانجام اینکه هر غایتی که برای آموزش و پرورش مدنظر باشد فرایند رسیدن به آن غایت مهم و در خود توجه است. به عبارت دیگر اگر در آموزش و پرورش ما، اهداف و غایت‌ها انعطاف‌ناپذیرند، اما روندها و فرایندها تا حدود زیادی می‌توانند انعطاف‌پذیر باشند و این فرصت کمی نیست برای ارزیابی و اصلاح آموزش و پرورش. اگر آموزش و پرورش زنده و پویا می‌خواهیم می‌بایست این ظرفیت را در آن گسترش و عمق بخشیم که بینش‌ها نو شود و مدام حالتی فعال و متحول پیدا کند.

آموزش و پرورش از این منظر همانند رودخانه‌ای بزرگ و خروشان است که از طریق جویبارها به‌سوی تک‌تک خانه‌ها روان است و پروژه‌های پژوهش و نقد و تحلیل در آن به مثابه سرچشمه‌های آن رود بزرگ است. یعنی در آموزش هنگامی پروژه‌ها مفید و مؤثر و مطلوب است که به شکل جریان و فرایند و سرچشمه زاینده و فزاینده درآید و هر دم آن رود بزرگ را تغذیه، غنی و تازه کند.

امر تعلیم و تربیت به خودی خود و از جهات گوناگون امری است پیچیده و و بغرنج و به قول کانت، فیلسوف آلمانی: «تعلیم و تربیت مهم‌ترین و مشکل‌ترین مسئله‌ای است که انسان با آن درگیر است، چراکه انسان موجودی بی‌کران و ناشناخته است پس به همین میزان کار او به ارزیابی و بازبینی و اصلاح نیاز دارد». ثالثاً در جهان امروز سرعت حوادث و رویدادها تند و شتابان است و ما به آموزش و پرورش پیشرو، پویا و زنده نیاز داریم که با همین سرعت بتواند در جزر و مد متلاطم این عصر، راهبر و ناجی به‌خصوص نسل جوان باشد. این امر نیز حاصل نمی‌شود مگر اینکه برنامه‌های آموزش و پرورش همواره کنترل، ارزیابی و اصلاح شود.

حال که پذیرفتیم که برای توسعه و تحول و اصلاح آموزش و پرورش بایستی برنامه‌های آن همواره مورد بررسی، نقد،



**ما به
آموزش و پرورشی
پیشرو، پویا و زنده
نیاز داریم که با
همین سرعت بتواند
در جزر و مد متلاطم
این عصر، راهبر و
ناجی به‌خصوص
نسل جوان باشد.
این امر نیز حاصل
نمی‌شود مگر
اینکه برنامه‌های
آموزش و پرورش
همواره کنترل،
ارزیابی و
اصلاح شود**